

تلفیق کار مخفی و علنی به مثابه وظیفه مهم در شرایط کنونی مبارزه

علیرغم ترور و اختناق، علیرغم بازداشت ها، محکومیت ها، شکنجه ها و اعدامها، نبرد علیه حکام مرتجع، آنی دچار تعطیل نشده است. اعتصابات کارگری که دامنه آن روبرو توسعه است، تظاهرات موضعی علیه جنگ، علیه گرانی و تورم، بیکاری و کمبود مایحتاج عمومی، فقر و بی مسکنی، ظلم و جور حکام مرتجع، اعتراضات دانشجویان و دانش آموزان و کارمندان که به اشکال گوناگون بروز می کنند، همه و همه نشان دهنده این واقعیت است که هیچ نیرویی قادر به مسانعت از مبارزه توده های میلیونی نبوده و نیست.

روشن است که این مبارزات هنوز محدود، پراکنده و جدا از هم جریان دارد. صحیح است که طی همین مبارزات زحمتکشان به ریشه بدبختی های و دشواریهای زندگی خود پی می برند، ولی این نیز مسلم است که برای پاره کردن زنجیر اسارت اقتصادی و سیاسی، پیکار گسترده، متحد و بی گیر ضرورت حیاتی دارد.

هراندازه توده های زحمتکش به این حقیقت بزرگ آشناتر شوند، بهمان اندازه هم شرایط غلبه بر ارتجاع فراهم تر خواهد شد. وظیفه اعضا و هواداران حزب است که در این زمینه به زحمتکشان یاری کنند. اجرای این وظیفه خطیر وقتی امکان پذیر است که ما دوش به دوش توده های میلیونی در مبارزات روزمره شرکت جویم و آنها را گام به گام با توجه به تجربه اندوزی خودشان، در جریان پیکار به ضرورت گسترش آن و وحدت عمل گردانهای گوناگون زحمتکشان آشنا سازیم.

شاخه های حزبی ما در شرایط ترور و اختناق فعالیت می کنند. طبیعی است، انجام وظیفه روشنگری و راهنمایی زحمتکشان در این شرایط کار ساده ای نیست. ولی توده ایها هیچگاه از مشکلات نمی هراسند و بادر نظر گرفتن خیانت، دنائت و توحش ارگانهای سرکوبگر، شور آتشین مبارزه را به حد اعلا با مراعات اکید اصول پنهانکاری و تلفیق معقول کار مخفی و علنی، که قانون اساسی کار در شرایط اختناق است، بهم می آمیزند و وظیفه روشنگری و راهنمایی را بدون اینکه قیافه واقعی خود را بشناسانند، انجام می دهند. در این زمینه استفاده از امکانات کار پنهانی مانند تهیه و پخش تراکت های روشنگرانه و بسیج کننده و دعوت کننده به مبارزه مهمترین وظیفه شاخه های حزبی است.

کار میان توده ها باید با شکیبایی و پیکیری توأم باشد. در شرایط ترور و اختناق باید از هرگونه امکانی برای برقراری پیوندهای علنی و قانونی با زحمتکشان بهره گرفت. برخی از رفقای پرسند: آیا شرکت در سازمانهای صنفی و گروهبندیهای اجتماعی که رژیم ولایت فقیه برای

بقیه در صفحه ۲

نامه رسیده

تجربه سودمند و آموزنده

جزئیاتی از اعتصاب پیروز مند کارگران ذوب آهن

مسئله تعاونی کردن مجتمع ذوب آهن موجب نگرانی شدید کارگران شده بود. کارگران به فکر افتادند که چه باید بکنیم؟ سرنوشتی نظیر سرنوشت غم انگیز کارگران نورد اهواز در سال ۱۳۶۰ در انتظار آنان بود. مزه کلام مسئولین دولت این بود که بخشهای "سوده" مجتمع عظیم ذوب آهن می ماند و بقیه

آغار اعتصاب

پس از نشست ها و مشورت های پنهان و آشکار، کارگران بقیه در صفحه ۲



دوره هشتم - سال اول - شماره ۴۵
پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۴
بها: ۲۰ ریال

کارگران به سیاست تشدید استثمار و تشدید آهنگ کار رژیم تن در نمی دهند

انجام کار بیرون می آید بنام الله باشد و برای خدا کار کند... شما برادران هم باید با این مسئله جدی برخورد کنید و نیروهای ما را از یک بی تفاوتی بیرون آورید تا با توکل و ایمان کار کنیم و بتوانیم انقلاب خودمان را در دنیا به نمایش بگذاریم". آقای سرحدی زاده به وضع فعلی غارت کارفرمایان و بزرگ سرمایه داران بسنده نمی کند. وی خواهان آن است که زحمتکشان محروم میهن ما شدیدتر از پیش کار و بیشتر از پیش تولید کنند تا "رضایت خدا" (بخوان رضایت بزرگ سرما یه داران زالوصفت) برآورده شود.

وزیرکار که پیوسته در فکر تامین بیش از پیش منافع ممتولین و متنفذین است در هر فرصتی که دست دهد، در پیشبرد سیاست تشدید استثمار کارگران می کوشد. وی در پاسخ به این سؤال روزنامه ج.ا. که "قرار بود مرخصی کارگران بقیه در صفحه ۶

تشدید استثمار کارگران از راه تشدید آهنگ کار و تاراج بخش هرچه بیشتری از حاصل عرق جبین آنها جوهر سیاست کارگری رژیم را تشکیل می دهند. حکام ج.ا. در دستیابی به این هدف ارتجاعی از انواع تدابیر محیلانه سازمانی و ایدئولوژیکی بهره می جویند. این سیاست، گاه تحت پوشش ضرورت کار "برای خدا" و گاه زیر لفاظه ضرورت رعایت "مصالح" کشور و درک لحظه از آنجمله لزوم رعایت شرایط جنگی پیش برده می شود. وزیرکار مانده هم مرتجعین در سراسر جهان سرمایه داری که از اعتقاد مردم سوءاستفاده کرده و تحت لوای دین و خدا نظام ستم و استثمار را بر کارگران تحمیل می کنند، خطاب به دفاتر بسیج کارگری می گوید: "شما باید این فکر را در کارگران ما بپوشانید و کاری که این برادران انجام می دهند تنها برای انجام کار، مزد گرفتن و تولید صرف نباشد بلکه یک کارگر از لحظه ای که از خانه اش برای

کارگران و زحمتکشان مبارز، به پیکار خود علیه ادامه جنگ وسعت دهید!

رژیم ولایت فقیه برای ادامه فاجعه آمیز جنگ تمام سرمایه های کشور و جان شما و فرزندان عزیزتان را به کام نیستی می کشاند. شما را روانه باتلاقهای مرگ می کند، برای تامین مخارج سنگین جنگ از شما اخاذی می کند، بار اصلی تورم و گرانی را به دوش شما می نهد، کارخانه ها را به تولید سلاح جنگی و ادوات مورد نیاز جبهه ها وامی دارد، شما را به اضافه کاری و افزایش تولید مجبور می کند، به بهانه جنگ حقوق شما را پایمال می سازد و اعتراضات و اعتصابات شما را با کلوله پاسخ می دهد. اکنون که بمباران شهرها آغاز شده است مرحله جدیدی در جنگ پدید آمده است؛ رژیم بجای اعزام شما به جبهه ها، این بار جبهه ها را به درون شهرها و مراکز کار شما آورده است. در وقایع اخیر تعدادی از مراکز صنعتی آسیب دیده و کارکنان

بقیه در صفحه ۷

جنگ ایران و عراق هم اکنون وارد مرحله نوینی شده است. دو رژیم جنایتکار ایران و عراق با بی رحمی تمام بر سر خانه و کاشانه ساکنان شهرها بمب ریخته آنانرا به خاک و خون می کشند. هر روز آذیرهای خطر به صدا در می آید و مردم بی گناه بی آنکه پناهگاهی داشته باشند دسته دسته قربانی اهداف جنگ طلبانه سران مرتجع جمهوری اسلامی می شوند. اکثر شهرهای بزرگ کشور بمباران شده است و خانواده های بسیاری در عید به عزا نشسته اند. مردم عراق نیز سرنوشت مشابهی دارند. آنان نیز در شعله های آتش جنگی که رژیم عراق آغازگران بوده است می سوزند و ماوا و مسکنشان در اثر بمباران وحشیانه رژیم ایران به تلی از خاک بدل می شود.

کارگران و زحمتکشان ایران!

کارگران و زحمتکشان! در آستانه روز جهانی کارگر، مبارزه علیه جنگ خانمانسوز را تشدید کنید!

تجربه سودمند و آموزنده

بقیه از صفحه ۱

تصمیم به اعتصاب گرفتند. در هفته اول اعتصاب حدوده هزار نفر، در هفته دوم بیست هزار و در پایان ماه همه کارگران مجتمع، دست از کار کشیده و عملاً اعتصاب کردند. حتی در دوره شاه نیز ما چنین اعتصاب بزرگی در کارخانه نداشتیم.

روزهای اول اعتصاب که تعداد ما هنوز زیاد نبود، دور هم جمع می‌شدیم و در محوطه کارخانه شعار می‌دادیم: "مرگ بر تعاونی". همچنین علیه اخراج کارگران شعار می‌دادیم. به تدریج که بر تعداد اعتصابیون افزوده می‌شد این شعارها به این شکل تغییر یافت: "نه تعاونی، نه شرکت - نه خواری، نه ذلت". و روزی که زنان کارگر به جمع اعتصابیون پیوستند، شعار ما این بود: "نه تعاونی، نه شرکت، نه خواری، نه ذلت، خواهرها به ما پیوستند، بهره بردارها نشستند". سه هفته بعد از شروع اعتصاب متوجه شدیم که چندتن از نمایندگان کارگران که فعالتر از بقیه بودند، ناپدید شده‌اند. این جریان پس از دوسه روز معلوم شد. در این مجتمع عظیم که به شهر بزرگی می‌ماند، چه بسا جنایتهایی اتفاق می‌افتاد که کارگران از آن بی‌خبر بودند. بهرحال تصمیم گرفتیم برای بازگشت این کارگران، که حتماً دستگیر شده بودند، از رفتن به خانه خودداری کنیم. پس از اتخاذ این تصمیم، روسا و مدیران عامل را در یک کیوسک چوبی و اتاقهایشان زندانی و اعلام کردیم که تا آزادی کارگران دستگیر شده آنها را گروگان نگه می‌داریم.

تحصن کارگران

چهل هزار نفر کارگر شعاری آزادی همکارانشان را می‌دادند و این شوخی نبود. مقامات مسئول به وحشت افتاده بودند. برای اینکه خبر به اصفهان نرسد تلفنهای ذوب آهن را قطع کردند. سپاه از ارتش تقاضای کمک کرد. هنگامی که سربازان با مسلسل های آماده شلیک وارد محوطه کارخانه شدند از قلب جمعیت شعاری برخاست و اوج گرفت: "برادر ارتشی، خوش آمدی، خوش آمدی". انگار که زمان به روزهای پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ برگشته بود. اشک در چشمهای عده ای از سربازان حلقه شد. نمی‌دانستند چکار باید بکنند. در نتیجه تزلزل سربازان، فرمانده آنها دستور بازگشت داد.

شب در سرمای شدید کوبر، کارگران در گوشه و کنار آتش روشن کردند و در گروههای مختلف به گفتگو نشستند. یکی از کارگران گفت، چرا ما باید سرما را تحمل کنیم، اما آقایان روسا و مدیران عامل در اتاقهای گرم، راحت باشند؟ نتیجه این شد که متخصصین، شوفاز و برق اتاقهایی را که روسا در آنها زندانی بودند قطع کردند، تا آنها بدانند که معنای سرما چیست و چه بر سر کارگران می‌آید.

مقاومت در برابر نیروهای فشار

در این هنگام از استانداری خبر آوردند که نمایندگان کارگران را نمی‌توان امشب آزاد کرد. به قاضی شرع و وکیل و دادگاه دسترسی نیست. شما به خانه‌هایتان بروید، فردا آنها را آزاد می‌کنیم. کارگران جواب دادند، همانطور که آنها را بدون قاضی شرع و حکم قانونی دستگیر کردید، همانطور هم آزادشان کنید، والا تحصن ما همچنان ادامه خواهد داشت. آنها به این وسیله می‌خواستند کارگران را از محیط کارخانه بیرون کنند، ولی نتوانستند. در خلال آن شب و بعد از آن دائماً عوامل ریز و درشت رژیم، کارگران را تهدید می‌کردند که، کاری نکنید "امت حزب الله" ناراحت شوند و مداخله کنند. حتی یکبار هم گروهی از "امت حزب الله"، یعنی پاسداران، با لباس شخصی به جمعی از کارگران حمله کردند و یکی از سخنرانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. بطوریکه شایع شد آن سخنران در اثر ضربه مغزی جان سپرده است. کارگران مهاجمین را وادار به عقب نشینی کردند.

سپاه از حربه های مختلفی سود می‌جست. یکبار آن روی صفحه را گذاشت و گروهی از خانواده شهدا را وادار کرد تا به ذوب آهن بیایند و با التماس و زاری بخواهند که بخاطر خون شهدا دست از اعتصاب بردارند. اما بسیاری از همانها، وقتی که حقیقت امر را از زبان کارگران شنیدند دست از خواهش برداشتند و برگشتند. بهرحال تمام آن شب به بحثهای صنفی و سیاسی گذشت و کارگران خواستهای خود را با هم در میان گذاشتند.

صبح روز بعد رژیم مجبور شد که نمایندگان کارگران را آزاد کند. آنها شدیداً شکنجه شده بودند. بطوریکه در شب بعد یکی از آنها در اثر خونریزی داخلی به بیمارستان منتقل شد. سپاه، یکی از نمایندگان آزاد شده را وادار کرد که پای میکروفون برود و با تأیید سیاست "تعاونی شدن" بخشهای ذوب آهن، از کارگران بخواهد که اعتصاب را تمام کنند. حال نزار نایبند، که شدیداً کتک خورده بود، بیشتر سبب رسوایی رژیم شد. دومین نماینده شکنجه شده که یک کارگر زن بود به پشت تریبون رفت و صریحاً به حاضران گفت: از ما خواسته‌اند به شما بگوییم به تحصن و اعتصاب پایان دهید. سخنان افشاگرانه او خشم کارگران را برانگیخت و آنها را وادار کرد که برای تحقق خواستهایشان بیشتر پافشاری کنند.

کارگران که با یک شب تحصن رژیم را وادار به عقب نشینی کرده بودند، پی به اهمیت اتحاد و کار دسته جمعی بردند و تصمیم گرفتند تا دستیابی به نتیجه قطعی اعتصاب را ادامه بدهند.

سخنرانی استانداری اصفهان

در یکی از روزهای اعتصاب استانداری اصفهان برای سخنرانی به نزد ما آمد. او سعی می‌کرد که هم

ما را بترساند و هم به ما امید بدهد. او ضمن دفاع از تعاونی شدن بخشهای مختلف ذوب آهن، از سویی می‌گفت: "ما پول مفت نداریم تا به کسانی که کار نمی‌کنند بدهیم. ما نیروی لازم را داریم که شما را به سر کار ببریم. ما نمی‌توانیم ۹ میلیون تومان به شما حقوق بدهیم که بیایید و اینجا بنشینید." از سوی دیگر می‌گفت: "ما که حالادر دوره طاغوت نیستیم که شکنجه و کتک توی کارمان باشد". با شنیدن کلمات "کتک و شکنجه" یکی از کارگران که در صف جلو ایستاده بود، خودش را به میکروفون رساند و خطاب به جمعیت گفت: آقای استانداری، اگر شکنجه و کتک توی کارتان نیست، پس لطفاً بگویید چه کسانی همکاران ما را دستگیر و شکنجه کردند؟ آنها در اثر شکنجه بستری شده‌اند. سخنان او در میان کارگران غلغله برآورد. هرکس چیزی می‌گفت و شعاری می‌داد. طوری شد که استانداری نتوانست به سخنرانی ادامه بدهد. او مجبور به ترک کارخانه ذوب آهن شد.

قضیه "زردآلو"

در یکی از روزهای اعتصاب، امام جمعه "ایره شهر" برای سخنرانی و باصلاح "آرام کردن" کارگران همراه با اسکورت موتورسواران با مرسدس بنز سیاه رنگی وارد محوطه ذوب آهن شد. عده ای از کارگران محلی "حضرت آیت الله" را شناختند. او در دوران شاه به دزدی از باغات زردآلوی منطقه شهرت داشت. بطوریکه مردم به او لقب "زردآلو" داده بودند. ناگهان یکی از کارگران با دیدن او فریاد زد: "زردآلو، زردآلو". لحظه ای بعد در تمام محوطه ذوب آهن صدای "زردآلو، زردآلو..." طنین انداز شد. "آیت الله" که این پیش بینی را نکرده بود، بدون آنکه از اتومبیل پیاده شود، به راننده دستور داد که دور بزند و چند لحظه بعد از محوطه خارج شد.

همبستگی زنان

در طول مدت اعتصاب، اتحاد و همبستگی عجیبی بین زنان کارگران اعتصابی در اصفهان و اطراف پدید آمد. بطوریکه حتی حساب سرکوب و تیراندازی را کرده بودند. زنها با هم قرار گذاشته بودند که برای پشتیبانی از کارگران اعتصابی، در صورتیکه آنها مورد پورش نیروهای سرکوبگر قرار بگیرند، در ساعات معینی در نقطه ای از شهر جمع شوند و مردم شهر را به کمک بطلبند.

همبستگی با اعتصابیون

تلگرافها و اعلام همبستگی کارگران شهرهای دیگر، از جمله تراکتورسازی تبریز، ماشین سازی اراک و کارخانه های مختلف در تهران و شهرستانها، عامل دیگری بود که موجب وحشت شدید رژیم شد. رژیم از گسترش دامنه اعتصابات در کارخانه ها، بخصوص در میان کارگران نفت بسختی می‌ترسید.

تلفیق کار مخفی و علنی به مثابه وظیفه مهم در شرایط کنونی مبارزه

بقیه از صفحه ۱

اجرای سیاست ارتجاعی خود بوجود می آورد، مخالف با وفاداری به اصول انقلابی نیست؟ پدیده ای است که شرکت در اینگونه سازمانها نه تنها مخالف با اصول انقلابی نیست، بلکه از وظایف انقلابی فرد- فرد اعضا و هواداران حزب نیز هست. باید در کلیه اینگونه سازمانهای صنعتی که بشکلی از اشکال قشری از خلق رادبرمی گیرند، شرکت کرد و کوشید تا در مقامات رهبری این سازمانها در آنها رخنه کرد، حتی اگر رهبری این سازمانها در دست عناصر وابسته به رژیم و عوامل ارگانهای اطلاعاتی باشد. زیرا فقط در این صورت است که ما خواهیم توانست در میان توده ها باشیم و از هر امری برای خدمت به آنها و پیشبرد سیاست حزب بهره برداری کنیم.

رژیم ولایت فقیه هم مانند سلف خود نمی تواند و قادر نیست هر نوع سازمان صنعتی کارگری و دهقانی را قدغن کند و مجبور است برای طبقه کارگر و سایر قشرهای اجتماعی زحمتکش شهر و روستا این یا آن سازمان صنعتی را بوجود آورد. مثلا، هم اکنون "خانه کارگر" عملا جایگزین سندیکاها و اتحادیه های کارگری شده است. البته رژیم می کوشد تا آنجا که مقدور باشد از شرکت فعال توده ها در "خانه کارگر" جلوگیری کند و رهبری آنرا بطور عمده بدست عمال خود می سپارد. نباید به رژیم و عمال آن اجازه داد از "خانه کارگر" به صورت ابزاری برای تحمیل نظرات خود به زحمتکش استفاده کنند. باید کوشید اینگونه امرها را به صورت ابزاری برای وارد آوردن فشار از طرف کارگران برای رسیدن به بخشی از خواسته هایشان بکار انداخت.

در شرایط کنونی که حزب ما پس از یورش وحشیانه سران جنایت پیشه جمهوری اسلامی، در دوران تجدید و تحکیم سازمان کام برمی دارد، وظیفه ما است تا از پراکنده کردن نیروها خودداری کنیم. به بیان دیگر باید از اصل تمرکز نیرو در حساسترین و آماده ترین کانون های مبارزات اجتماعی پیروی کرد. به نظر ما این کانونها عبارتند از کارخانه های بزرگ و روستاهایی که مبارزه بین دهقانان و بزرگ مالکان هنوز هم به این ویا آن شکل ادامه دارد. مهمترین آماج فعالیت شاخه های مخفی در میان کارگران و بویژه پرولتاریای صنعتی است. لذا باید نیروها را در درجه اول متوجه کارخانه های بزرگ کرد. البته واحدهای بزرگ حمل و نقل مانند راه آهن، هواپیمایی، حمل و نقل شهری را هم نباید از نظر دور داشت. اگر حزب ما بتواند در اکثر موسسات صنعتی بزرگ و بنگاههای حمل و نقل بزرگ پایگاههایی بوجود آورد که در مبارزه روزمره زحمتکش شرکت جویند، کام بزرگی در راه بسیج توده ها برداشته است. دهقانان دومین آماج فعالیت توده ای مبارزان توده ای هستند. در این مورد کار دشوارتر است. ولی ما می توانیم درون دهقانانی که به

مبارزه ادامه می دهند راه یابیم و در روشنگری و تجهیز آنها بکوشیم.

ناخشنودی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان دانشجویان و آموزگاران شرایط را برای کار بین آنان از هر جهت فراهم ساخته است. نیروهای مسلح یکی دیگر از آماجهای فعالیت روشنگرانه و تبلیغی اعضا، حزب است. ما نباید فراموش کنیم که اکثر افراد نیروهای مسلح را وابستگان به خلق، جوانان دهقان و کارگر تشکیل می دهند. علیرغم تمام تلاشهای رژیم در جد کردن نیروهای مسلح از خلق و تبدیل آنها به نیروی ضد خلق، پیوندهای نیرومندی این افراد را با طبقه و قشری که از آن بیرون آمده اند، وابسته می سازد. افسران جوان و درجه داران اکثرا از وابستگان به طبقات ستمکش ویا قشرهای پایینی خرده بورژوازی هستند. ناخشنودی از سیاست داخلی و خارجی ضد خلقی رژیم در میان نیروهای مسلح نیز روز بروز شدیدتر می شود.

تلفات ارتش و بسیج و سپاه در جنگ فرسایشی خانمانسوز که در مرحله کنونی هیچگونه هدف ملی و میهنی ندارد و تنها به نفع امپریالیسم است به ناخشنودی در نیروهای مسلح دامن می زند. برخی از گروههای ارتجاعی وابسته به رژیم وابسته گذشته می کوشند از این ناراضی به سود خود بهره گیرند. مبارزان توده ای و شاخه های حزبی باید با تمام نیروی خود در افشای این نیرنگ ضدانقلاب بکوشند. افشای سیاست ضدملی رژیم جمهوری اسلامی برای روشنگری و تجهیز افراد ناخشنود نیروهای مسلح نقش مهمی دارد. باید مقالات افشاگرانه "نامه مردم" را هر چه وسیعتر به آنها رساند.

ترویج، تبلیغ، سازماندهی و تجهیز توده های وسیع برای مبارزه، وظیفه عمده شاخه های حزبی است. این مبارزه چنانکه گفتیم، تنها در چارچوب پیوند همه جانبه شیوه های مخفی و شیوه های علنی، مبارزه، یعنی استفاده از همه امکانات میسر است. لنین تلفیق همه جانبه شیوه های مخفی و علنی را شرط نگهداری و پایداری حزب طبقه کارگر در دوران اختناق سپاه می شمارد.

لنین در پاسخ به چپ گرایان در جنبش سوسیال دمکراسی انقلابی آلمان پس از انقلاب اکتبر با تکیه بر این نکته می گوید: "اکنون که به عقب می نگریم و این دوران تاریخی کاملا پایان یافته را که پیوندش با ادوار بعدی کاملا آشکار شده است، از مد نظر می گذاریم با روشنی خاص می بینیم که اگر بلشویکها به کمک پیکاری بسیار دشوار روی وجوب در آمیختن اشکال علنی مبارزه با اشکال غیرعلنی و وجوب شرکت در ارتجاعی ترین پارلمان و در یک سلسله سازمانهای دیگر که قوانین ارتجاعی بر آنها حاکم بود، پافشاری نمی کردند، نمی توانستند هسته پایداری حزب انقلابی پرولتاریا را در طول سالهای ۱۹۰۸-۱۹۱۴ محفوظ نگه دارند (ویطریق اولی آنرا تحکیم بخشند، گسترش دهند و تقویت کنند) (لنین،

شادباش به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست کانادا

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضای حزب ما درودهای گرم و انقلابی خود را به شما تقدیم می دارند. کنگره شما در دوران پس خطیری در تاریخ کانادا برگزار می شود. پیکاری و تورم همواره روبه افزایش است و دستمزدهای واقعی کاهش می یابد. اقتصاد کانادا از پی آمدهای سیاست رکود اقتصادی دولت و سیاست نرخ بهره بالای ایالات متحده - که هدف آن تأمین بودجه برنامه ماجراجویانه نظامی گری ریکان است - رنج می برد.

احزاب راست گراء کانادا را با سیاست جنگ هسته ای ایالات متحده آمریکا هم پیوند کرده اند و طرفداری خود را از آزمایش موشک های آمریکایی "کروز" اعلام داشته اند - موشکهایی که قرار است بر فراز کانادا بسوی کشور صلح جوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پرتاب شوند.

از سوی دیگر، حزب کمونیست کانادا همواره از سیاست دگرگونسازی راستین، تأمین کار، صلح و استقلال پیروی کرده است. پیکار شما در راه سوسیالیسم با خواست اکثریت مردم کانادا، یعنی پی ریزی جامعه ای بری از بهره کشی و پیکاری و فارغ از خطر جنگ همخوان است.

حزب توده ایران پیروزی شما را در مبارزه برای پیشبرد این هدفهای والا آرزو می کند.

زنده باد حزب کمونیست کانادا!

پایدار باد صلح، پیشرفت و سوسیالیسم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بیماری کودکی "چپ گرایی" در کمونیسم، ص ۱۴) آیا در شرایط ترور و اختناق کنونی امکانی برای کار علنی وجود دارد؟ پاسخ مثبت است. دهها اعتصاب کوچک و بزرگ کارگری در یکسال گذشته، تظاهرات موضعی در تهران و دیگر شهرها علیه جنگ و مشکلات زندگی در زمینه کمبود و گرانی مایحتاج زندگی، بدی شرایط حمل و نقل شهری، کمبود مسکن و گرانی اجاره بها، نبودن آب، قطع مستمر برق و غیره، اعتراض دهقانان به بازگشت بزرگ مالکان و سیاست رژیم در حمایت از غارتگران، فشار و جنایات ارگانهای سرکوبگر و غیره که گسترش روزافزون ناراضیها را نشان می دهد، بهترین شاهد وجود امکانات علنی برای مبارزه است، امکاناتی که می توان و باید آنها را با مبارزه مخفی انقلابی و روشنگری سیاسی پیوند داد.

هر شاخه حزبی، هر قدر کوچک، اگر محیط کار و زندگی خود را عمیقا بررسی کند، امکانات گوناگون تلفیق کار علنی و مخفی را پیدا خواهد کرد. فقط از این راه است که ما خواهیم توانست پیوند حزب را با زحمتکشان تحکیم بخشیم و نقش موثر و تعیین کننده را در تغییر بنیادی جامعه ایفا نماییم.

نقشه از شماره قبل

درباره برخی مسائل تئوری و عمل (پراتیک)

مرحله انقلاب

آنچه در جریان مبارزات حزب ما، چنانکه در اسناد و مدارک رسمی آن انعکاس یافته، مورد توجه قرار دارد هدف و دورنمای مبارزه در مرحله مشخص است. مبارزه در راه شعار عده و هدفهای مبرم هیچگاه ما را از هدف و دورنمای انقلابی غافل نکرده و نمی‌کند. مبارزه در راه شعارها و هدفهای مبرم و وسائلی است برای ایجاد هرچه بیشتر زمینه اجتماعی لازم بنظور تحقق هدف اصلی مبارزه انقلابی مردم، یعنی تداوم انقلاب، یعنی استقرار حکومت ملی و دمکراتیک. پیروزی نظام ملی و دمکراتیک در کشور ما خود محمل ضرور برای سیر جامعه بطرف سوسیالیسم است.

با در نظر گرفتن اینکه انقلاب بهمن ۵۷ در مرحله سیاسی متوقف ماند و نتوانست به آماجهای ملی و دمکراتیک جامعه عمل بپوشاند، بنظر ما مبارزه در راه تداوم انقلاب در دستور روز نیروهای ملی و انقلابی قرار دارد.

این شیوه برخورد، با اصل لنینی تداوم انقلاب که مادر راه آن مبارزه کرده و می‌کنیم مطابقت کامل دارد و آمادگی نیروهای طبقاتی را برای گذار از مرحله وظایف دمکراتیک و ضد سرمایه‌داری وابسته، به مرحله سوسیالیستی تأمین می‌کند. زویدادهای کشور ما، بویژه مبارزه در راه نظام اقتصادی متکی بر منافع زحمتکشان، که حزب توده ایران مبتکر آن است و اکنون پس از یورش سبانه به حزب ما و دیگر نیروهای انقلابی در سطح جامعه ادامه دارد، نشانگر آنست که نیروهای انقلابی در مرحله مبارزه ضد سرمایه‌داری وابسته، همروند با مبارزه در راه انجام اصلاحات دمکراتیک ناگزیر به قلمرو و تسلط سرمایه دست می‌یازند و در صورت تشدید این پیکار، اقدامات دمکراتیک در تحلیل نهایی گرایش سوسیالیستی کسب می‌کنند. نباید لحظه‌ای از نظر دور داشت که در اوضاع و احوال کنونی کشور، هر اقدام دمکراتیک پیکار که حزب ما در راه آن مبارزه می‌کند و می‌کند، بر بنیاد تضاد دیالکتیکی استوار است، بدین معنی که نقطه "نهاد سوسیالیستی" را در بطن خود دارد.

دشمنان طبقاتی ما این حقیقت را می‌دانند و به همین سبب با تمام قوا کوشیدند تا به فعالیت علنی حزب توده ایران پایان دهند. جای تاسف است که دوستان ما هنوز هم به این اصل لنینی بی‌نبرده‌اند و ما را متهم به فرمیسیم و اپورتونیسیم و... می‌کنند.

ما این رهنمود لنین را پیوسته در مد نظر داریم که در پیچ و خم های سیر تاریخ و فراز و نشیب های آن باید، "دست و پای خود را کم نکرد و دورنمای عمومی را همیشه در مد نظر داشت تا بتوان خط سرخی را که سراسر سیر تکامل سرمایه‌داری را بهم پیوند می‌زند و تمام راهی را که به سوسیالیسم می‌انجامد، بدرستی تشخیص داد..." (لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۶، ص ۴۷).

اهمیت این رهنمود، بویژه با توجه به این نکته روشن میشود که در جریان گسترش دامنه مبارزه در مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب، در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح ناگزیر گروهبندی های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی خاص مرحله گذار پدید می‌آید. بهمین سبب، مسئله چگونگی گسترش و تقویت جریان دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه باید مورد توجه بسیار جدی قرار گیرد.

مسئولیت ملی و بین‌المللی

موضع دوستان ما درباره مسئولیت ملی و بین‌المللی حزب طبقه کارگر چگونه است و اصولاً چه درکی از این مسئله حاد و مهم دارند؟ آنها می‌نویسند: "اولین وظیفه پرولتاریای هر کشور، انقلاب در همان کشور است. رهبری طبقه کارگر در انقلاب ایران به جنبه بین‌المللی آن نیز خصلت پرولتاریایی می‌دهد و به همبستگی آن با جنبش بین‌المللی طبقه کارگر فوریت و اهمیت می‌بخشد."

نظر ارائه شده در لابلای این سطور به اندازه‌ای مغشوش است که درکی آن امکان پذیر نیست. مثلاً، معلوم نیست، منظور از اینکه "رهبری طبقه کارگر در انقلاب ایران به جنبه بین‌المللی آن خصلت پرولتاریایی می‌دهد" چیست؟ وانگهی به چه علت فوریت و اهمیت همبستگی طبقه کارگر ایران با "جنبش بین‌المللی طبقه کارگر"، فقط به تحقق انقلاب

دوستان ما مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب را که حزب توده ایران بادر نظر گرفتن شرایط تاریخی و مشخص کشور مطرح ساخته است پذیرا نیستند و سخت به ما می‌تازند. آنها معتقدند: "انقلاب ایران انقلابی است ضد سرمایه‌داری که مناسبات سرمایه‌داری به مثابه مناسبات مسلط تولیدی را در هم می‌شکند و گذار بی‌وقفه به سوسیالیسم را آغاز می‌کند." "گذار بی‌وقفه" و "بی‌واسطه" به معنی نفی مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب، در جاهای دیگر سند نیز تکرار میشود. مثلاً، گفته می‌شود: "گذار بی‌واسطه به سوسیالیسم و شالوده ریزی فنی و مادی سوسیالیسم" در دستور روز جامعه است.

به بیان دیگر آنها معتقدند که در شرایط تاریخی و مشخص کنونی کشور، مناسبات تولیدی سرمایه‌داری در شهر و روستا حاکم است و رشد این مناسبات تضاد مابین کار و سرمایه را به درجه‌ای تشدید کرده، که انقلاب سوسیالیستی امکان پذیر است.

چنین برخوردی با مسئله انقلاب در ایران، ناشی از عدم شناخت شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه است. جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم، انقلاب را نتیجه، ضروری و اجتناب ناپذیر تکامل جوامع منقسم به طبقات آشتی ناپذیر می‌داند. در این گونه جوامع، تکامل اقتصادی و اجتماعی حاصله، به تدریج و مرحله به مرحله شرایط و عوامل دگرگونی عمیق و بنیادی را به حد بلوغ می‌رساند و سرانجام تغییر بنیادی نظام اجتماعی را ممکن می‌سازد. بیان علمی این مطلب به گفته مارکس چنین است:

"...نیروهای مولده مادی جامعه در پله معینی از تکامل خویش با مناسبات تولیدی موجود و به بیان دیگر با روابط مالکیت که چیزی جز بیان حقوقی مناسبات تولید نیستند و این نیروها تاکنون در چارچوب آن ها تکامل می‌یافتند، در تضاد می‌افتند و مناسبات تولیدی از شکلی برای تکامل نیروهای مولده به پای بند تکامل این نیروها بدل می‌شوند. آنگاه یک دوران انقلاب اجتماعی فرا می‌رسد... هیچ صورت بندی اجتماعی هیچگاه بیش از آن که تمام نیروهای مولده به تناسب ظرفیت این صورت بندی به حد کافی تکامل یافته باشد، از میان نخواهد رفت و مناسبات تولیدی عالی تر جدید نیز هیچگاه پیش از آنکه شرایط مادی لازم برای بقاء این مناسبات در بطن جامعه قدیم فراهم آمده باشد، پدید نخواهد آمد. به همین جهت جامعه بشری همیشه هدفهایی در برابر خود قرار می‌دهد که توان تحقق آنها را داشته باشد، زیرا با دقت بیشتری به مطلب همیشه میتوان دریافت که اصولاً هدف فقط جایی پدید می‌گردد که شرایط مادی لازم را برای تحققش فراهم و یا دست کم در حال فراهم آمدن باشد" (ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار، جلد ۱۲، ص ۷-۸).

چنین است قانون اساسی هر انقلاب بزرگ که لنین نیز روی آن تکیه کرده است. حزب توده ایران که هدف غایی خود را ایجاد جامعه سوسیالیستی در ایران قرارداده است، معتقد است که در شرایط کنونی ایران، انقلاب دارای دو مرحله استراتژیک است. مرحله نخست، انقلاب ملی و دمکراتیک است که در نتیجه انجام آن باید رژیم دمکراتیک و ملی در کشور ما استقرار یابد که استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما را تأمین و حیات سیاسی و اقتصادی را دمکراتیزه کند. مرحله دوم، پس از نیل به این هدفهای استراتژیک آغاز میشود و عبارت است از مرحله سوسیالیستی انقلاب. در آن مرحله هدف استراتژیک عبارت است از ساختمان پایه‌های مادی و فنی سوسیالیسم و ایجاد جامعه سوسیالیستی.

ما، هنگام تعیین مشی سیاسی حزب، همیشه و در تمام مراحل مبارزه دورنمای مبارزه در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم را مد نظر داریم. اهمیت این مسئله از آنجا ناشی است که ارتباطاً ناگسستگی با شرایط تاریخی مشخص کشور دارد. تحلیل تئوریک و توجیه سیاسی این مسئله که حزب می‌خواهد توده‌ها را به سوی کدام مرحله از تکامل مبارزه هدایت کند، بخش ارکانیک نظریه استراتژیک هر حزب و سازمان و پایه تصمیمات تاکتیکی آنها تشکیل می‌دهد.

"مرکز رسمی" نیستند. پس از انحلال کمینترن بود که مبلغین ضد کمونیست تاز سخیف "هدایت ضمنی" کمونیست ها را مطرح ساختند و هدفشان نیز اثبات "وابستگی" احزاب کمونیستی و کارگری بود. اینکه محافل ارتجاعی در ایران و جهان از این تاز سخیف در مبارزه با کمونیست ها استفاده می کنند، حیرت انگیز نیست. نگرانی آور است که دوستان ما نیز برای اثبات "استقلال کامل" خود در دام کمونیسم ستیزان حرفه ای افتاده اند. آنها فراموش می کنند که در اسناد فوق الذکر کمونیستی و کارگری گفته می شود: "تمام احزاب دارای حقوق برابر اند. اکنون که جنبش جهانی کمونیستی دارای مرکز رهبری نیست اهمیت هم آهنگ ساختن داوطلبانه عمل احزاب به نفع حل موفقیت آمیز وظایفی که در برابر آنها قرار دارد، افزایش می یابد" (ص ۲۱).

لنین می گفت، سیاست دانش و هنر است و خاطر نشان می کرد که "سیاست بیشتر به چبر می ماند تا به حساب و حتی بیشتر به ریاضی عالی می ماند تا به ریاضی مقدماتی" (لنین، جلد ۴۱، ص ۶۵).

ما توجه منقدین ایدئولوژی حزب توده ایران را به این توصیه لنین جلب می کنیم. برای اشتباه نکردن در سیاست باید از نفی اصول آزمایش شده مارکسیسم - لنینیسم خودداری کرد. تمام تجاربی که جنبش جهانی کمونیستی و کارگری طی دهها سال در زمینه مبارزه انقلابی اندوخته است، بیانگر صحت کامل این نظر است که بدون فراگیری عمیق و همه جانبه (نه سطحی) دانش مارکسیسم - لنینیسم، حصول کامیابی در عرصه انقلاب امکان پذیر نیست. از سوی دیگر در دانش انقلاب هم مانند هر دانش دیگر نباید و نمی توان تجارب پیشین و دستاوردهای اندیشه تئوریک از پیش گفته رانادیده گرفت و از نمونه های دیگران و درسهای تاریخ پند آموزی نکرد. تکرار تر "عدم استقلال" احزاب کمونیستی و کارگری (ساخته و پرداخته زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم) و طرح مسائلی از آن قبیل که مادر فوق آنها را بررسی کردیم، برای اثبات "استقلال کامل" خود، بدون در نظر گرفتن تجربه شکست آنهایی که برای خوش آیند بورژوازی خیلی پیش از دوستان ما این مسائل را مطرح کرده بودند، نشانگر سردرگمی و اغتشاش اندیشه و نظر و ناآشنایی به تاریخ نهضت کمونیستی و کارگری جهان است.

موضع ما در قبال اینگونه مسائل تئوری و پراتیک، صریح و روشن است و همان موضعی است که زیر آن را امضاء کرده ایم. ما معتقدیم، هر حزب طبقه کارگر برای فعالیت خود در برابر طبقه کارگر خود و در عین حال در برابر طبقه کارگر بین المللی مسئول است. مسؤلیت ملی و بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری تفکیک ناپذیر است.

حزب توده ایران هم میهن پرست است و هم انترناسیونالیست. هیچ تهمت و برچسبی، خواه از راست و خواه از "چپ" قادر نخواهد بود کوچکترین تغییری در این موضع ما بوجود آورد.

ما در عین حال دفاع بی قید و شرط از منافع ملی، هم تنگ نظری ملی و هم نفی و کم بها دادن به منافع ملی و هم تمایل به سیطره جویی (هژمونیسیم) را رد می کنیم. حزب توده ایران به عنوان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان پرچمدار منافع واقعی ملی است و این طبقات ارتجاعی اند که خاش به این منافع اند. بهیچ وجه تصادفی نیست که می گویند سرمایه وطن ندارد. این بدان معنا است که جهان وطنی از ویژگی های سرمایه داران است. بنا بر این سرمایه نمی تواند از منافع ملی دفاع کند.

حزب توده ایران برای امر سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری اهمیت ویژه ای قائل است. تعیین چگونگی در آمیزی صحیح منافع انترناسیونالیستی و منافع ملی در جریان مبارزه انقلابی حزب در شرایط و در مراحل گوناگون نیز باید مورد نظر قرار گیرد. لنین مبانی تئوریک حل مسئله پیوند میان این منافع بفرنج را طرح ریزی کرده است. منافع ملی طبقه کارگر می طلبد تا وظایف ناشی از گسترش انقلاب پرولتری و حفظ و تحکیم دستاوردهای واقعی سوسیالیستی در صدر وظایف عالی و برتر قرار گیرد. در آمیزی صحیح منافع ملی و انترناسیونالیستی از آن لحاظ ضرورت حیاتی دارد که طبقه کارگر در برابر سرمایه داری متحد، پراکنده و بی سلاح نماند.

در شرایطی که دامنه مبارزه میان سوسیالیسم جهانی و سرمایه داری جهانی گسترش یافته است. کمونیست ها وظیفه دارند، پیوند میان استراتژی ملی مبارزه نیروهای هوادار دمکراسی، علیه نیروهای ارتجاعی را با مبارزه طبقه

سوسیالیستی در ایران، به رهبری طبقه کارگر موکول می شود؟ در سندها دوستان سپس چنین گفته می شود: "حزب طبقه کارگر ایران می بایست در ایجاد و تحکیم همبستگی بین کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی پرولتاریای ایران تلاش کند بی آنکه از مواضع انتقادی خود نسبت به انحرافات و ضعف های احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیست چشم پپوشد".

این همان برخورد "چپ مستقل" است که بارها از محک آزمایش گذشته و با شکست روبرو شده است. دوستان ما که خواهان "استقلال کامل" هستند، این حق را به احزاب دیگر کمونیستی و کارگری نمی دهند و برای اثبات "استقلال کامل" (معلوم نیست در مقابل چه کسانی)، بلافاصله وظیفه خود را "مبارزه پیگیر با تفاسیر انحرافی از تزه های لنینی همزیستی مسالمت آمیز، رقابت اقتصادی، راه رشد غیر سرمایه داری و نظریه های ریزیزونیستی امکان پیروزی کمونیسم در یک کشور، گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم، دولت و حزب تمام خلقی" می دانند.

در این باره چه باید گفت؟ دوستان ما فکر نکنند که درباره استقلال عمل احزاب کمونیستی و کارگری کشف آمریکا کرده اند. اگر آنها اندکی بخود زحمت داده، "اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری" (مسکو ژوئن ۱۹۶۹) را مطالعه می کردند، شاید خود را قهرمان "استقلال کامل" معرفی نمی کردند. در بخش "وحدت احزاب کمونیستی و کارگری" این سند تاریخی که زیر آن امضاء ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری و از آن جمله حزب توده ایران قرار دارد چنین می خوانیم: "شرکت کنندگان در کنفرانس بار دیگر توافق کامل خود را در این نکته تایید می کنند که مناسبات بین احزاب بر پایه اصل انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی و پشتیبانی متقابل، احترام به استقلال و برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار دارد. مراعات اکید این اصول شرط ضروری توسعه همکاری رفیقانه بین احزاب برادر و تقویت وحدت جنبش کمونیستی است. اشکال همکاری بین احزاب برادر که از بومه آزمایش گذشته، عبارت است از مشاورات دوجانبه، برخوردهای منطقه ای و مشاوره بین المللی که بر پایه اصول مورد قبول جنبش کمونیستی انجام می گیرد" (ص ۲۱).

باز در همان سند تاکید می شود: "احزاب کمونیستی و کارگری در شرایط بسیار گوناگون و خاصی مبارزه می کنند که برخورد متناسب با این شرایط را برای حل مشخص وظایف آنها می طلبد. هر حزبی سیاست خود را بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و در نظر گرفتن شرایط مشخص ملی کاملاً مستقلاً تنظیم می کند. هر حزبی جهات، اشکال و شیوه های مبارزه خود را تعیین می کند و وابسته به شرایط معین راه مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز گذار به سوسیالیسم و همچنین اشکال و شیوه های ساختمان سوسیالیسم را در کشور خود انتخاب می نماید" (ص ۲۲).

چنین است معنا و مفهوم واقعی استقلال احزاب از دیدگاه کمونیست های انترناسیونالیست. هر حزبی سیاست خود را مستقلاً تدوین می کند و هیچ حزبی حق دخالت در امور داخلی حزب برادر دیگر را ندارد. حزب توده ایران همیشه این اصول را مراعات کرده و در آینده نیز در این راه پیش خواهد رفت. درست به همین سبب ما به خود اجازه انتقاد از خط و مشی سیاسی دیگر احزاب برادر را نمی دهیم. زیرا این عمل، یعنی دخالت در امور داخلی دیگر احزاب کمونیستی و کارگری، متقابلاً، حزب ما نیز به هیچ حزبی حق دخالت در امور داخلی خود را نمی دهد. اینکه سیاست این یا آن حزب برادر "انحرافی" است یا نه، مربوط است به خود آن حزب و اعضای. آنها هستند که باید در این باره تصمیم بگیرند.

همچنین آن موارد "انحرافی" که دوستان ما هنوز انقلاب نکرده آنها را مورد انتقاد قرار داده اند، کاملاً مورد تایید ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری است. این بدان معنا است که این دوستان یک تنه به جنگ ۷۵ حزب برخاسته اند تا بدینسان "استقلال کامل" خود را به ثبوت برسانند. درست به همین سبب است که آنها می نویسند: "در شرایط کنونی جنبش جهانی کارگری، هر نوع مرکزیت بین المللی برای هدایت جنبش کمونیستی، خواه بطور رسمی، خواه بطور ضمنی، به رشد همبستگی بین المللی جنبش انقلابی پرولتاریا آسیب می زند".

بیش از چهارده است که کمینترن منحل شده و کمونیست ها دارای

بیش از همه اتحاد شوروی برای کلیه مبارزات آزادیبخش پشتیبان بی بدیلی است" (ص ۱۶).

سوسیالیسم واقعا موجود دورنمای رهایی از سیطره امپریالیستی را در برابر بشریت پدید آورده است. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که بر پایه مالکیت جمعی وسائل تولید و حکومت زحمتکشان قرار گرفته‌اند، تامین تکامل اقتصاد با برنامه ویی بحران را متکی بر منافع مردم، امکان پذیر ساخته و "حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان را تضمین می‌کنند. سوسیالیسم شرایط استقرار یک دموکراسی واقعی و شرکت حقیقی توده های وسیع مردم را در اداره امور جامعه بوجود می آورد و موجبات شکستگی کلیه سنجایای فردی، برابری حقوق ملت ها و دوستی بین آنها را فراهم می سازد" (همانجا).

حزب ما بر آنست و تجربه انقلاب بهمن ۵۷ نیز نشان داد که طبقه کارگر، نیروی محرکه عمده پیکار انقلابی در مجموع جنبش ملی و دموکراتیک و ضد امپریالیستی است. زحمتکشان کشور ما، در عین اینکه برای دفاع از منافع حیاتی خود برخاسته‌اند، به منظور تحصیل حقوق اجتماعی و آزادیهای دموکراتیک نیز مبارزه می کنند. پرولتاریای صنعتی هر چه بیشتر در صد تحول اساسی در نظام اقتصادی است که بر پایه بهره کشی قرار دارد.

حزب توده ایران برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و آینده سوسیالیستی مبارزه می کند. حزب ما حامل اندیشه های سوسیالیسم علمی و مبارز. پیشاهنگ نهضت رهایی بخش ملی بوده، هست و خواهد بود.

با وجود انتقاد به موضع حزب ما از "چپ" درباره ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق، حزب توده ایران در آینده نیز در راه اتحاد نیروهای ملی، مترقی و ضد امپریالیستی خواهد کوشید. مصالح نهضت، همکاری میان حزب ما و سایر نیروهای ملی و مترقی را ایجاب می کند. هرگونه خصومت با حزب توده ایران، به مبارزات خلقهای میهن ما در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح لطمه جزیران ناپذیر می زند و ضربه ایست به حقوق دموکراتیک و بدیهی ترین منافع خلقهای ما.

حزب توده ایران در آینده نیز در راه تقویت همبستگی پیکارجویان کشورهای سوسیالیستی، تمام واجدهای جنبش کمونیستی و کارگری و جنبش رهایی بخش ملی در مبارزه علیه امپریالیسم، با تمام قوا خواهد کوشید. حزب ما در طرح ریزی مشی استراتژیک انقلابی، اشکال و روش های مبارزه، تعیین مشی سیاسی مبارزه در مرحله کنونی آن و طرق گذار از یک مرحله به مرحله دیگر، مسئولیت تاریخی خود را هم در قبال خلق خویش وهم در قبال مجموعه جنبش انقلابی، در نظر گرفته و می گیرد. و این به نظر ما عالی ترین سطح استقلال است.

پایان

کارگر بین المللی علیه سرمایه داری جهانی، بیش از پیش محکم کند. با توجه به این اصل است که حزب توده ایران پیوسته در صفوف اول مبارزه انقلابی قرار داشته و دارد. حزب ما در آینده نیز مانند گذشته به پیکار پیکرعلیه ایدئولوژی بورژوازی ادامه داده و به زحمتکشان کشور مفهوم واقعی مبارزه و شرایط پیروزی را توضیح خواهد داد. حزب ما برای مبارزه پیروزمندانه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم و تحقق آرمانهای خود به ترویج سوسیالیسم علمی در جنبش کارگری و در بین توده های وسیع زحمتکشان و از آنجمله جوانان ادامه داده و از اصول خود پیکرانه دفاع خواهد کرد و بر ضد انحرافات اپورتونیستی راست و "چپ" در تئوری و سیاست، بر ضد رویزیونیسم و دکگاتیسم و سکتاریسم چپ و دیدگاهها و حرکت های ماجراجویانه به مبارزه ادامه خواهد داد. این جریانات انحرافی معمولا به نیروهای واقعی که می توانند و باید به مبارزه جلب شوند، کم بها می دهند.

وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، خدمت فداکارانه به خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، پی ستون خط مشی حزب ما بوده، هست و خواهد بود. زیرا این شرط حتمی برای ست یابی درست در وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و پایه پیروزی آنها در تحقق هدف های تاریخی است.

مبارزه علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در آینده نیز در سرلوحه مبارزه روزمره حزب ما قرار خواهد داشت. امپریالیسم در قبال مواضع سوسیالیسم می کوشد وحدت سیاسی جهانی سوسیالیستی را تضعیف کند و از پاره ای اختلاف نظرها در جنبش انقلابی جهانی استفاده می کند تا در صفوف آنها انشعاب ایجاد کند. امپریالیسم دشمن شماره یک نهضت های رهایی بخش در جهان است. امپریالیسم، رسانه های گروهی خود را در خدمت کمونیسم ستیزی و مبارزه علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز کلیه نیروهای مترقی قرار داده است.

رویدادهای دهه اخیر، بویژه آنچه در منطقه خاور میانه و نزدیک، آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا می گذرد و نیز سیاست تشدید تسلیحات هسته ای و تدارک "جنگ ستارگان" با نیروی بازهم بیشتر چهره ضد بشری امپریالیسم آمریکا را به مثابه ژاندارم جهانی و دشمن آشتی ناپذیر خلق ها افشا کرده است. مبارزه علیه خطر جنگ هسته ای و در راه صلح پایدار کماکان حلقه اساسی وحدت نیروهای ضد امپریالیسم را تشکیل می دهد.

حزب توده ایران، چنانکه در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری (سال ۱۹۶۹) نیز تصریح گردیده است، سیستم جهانی سوسیالیسم را نیروی قاطع در نبرد ضد امپریالیستی می شمارد. این سیستم و

کارگران به سیاست تشدید... بقیه از صفحه ۱

مانند کارمندان در سال ۲۰ روزشود" می گوید: "چنین قراری نبوده است ... در این مقطع این موضوع را مطرح نکنیم بهتر است. در این مقطع فقط باید بگوییم چقدر باید کارکنیم به چه نحو باید کارکنیم و کار بیشتر برفع انقلاب و اسلام است."

فروش کارخانجات دولتی به کارگران، جدیدترین حربه رژیم خدمتگزار بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران در راه تشدید استثمار کارگران است. حکام ج.ا. با پیش کشیدن این طرح ارتجاعی - که در دوره ستمشاهی با ناکامی مفتضحانه آزموده شد اهداف چندگانه ای تعقیب می کنند که یکی از آنها تشدید آهنگ کار و تشدید استثمار است. در همین رابطه بود که موسوی اردبیلی بهنگام سخنرانی در حضور کارگران پیرامون فروش کارخانجات به آنها گفت: "صمیمانه کارکردن، پرکاربودن، ابتکار بخرج دادن، زحمت کشیدن و خود را مطرح نکردن، این وظیفه شناس است..." (کیهان ۶ اسفند

۶۳). کارگران فراموش نکرده اند که وی در سال گذشته در راه تشدید استثمار کارگران و خدمت به بزرگ سرمایه داران تا جایی پیش تاخت که حتی مرخصی رهمی کارگران را "فساد در کارخانه" قلمداد کرد و آنان را به کار لاینقطع و تشدید آهنگ کار دعوت و تهدید نمود.

آذری قمی، سخنگوی مرتجعترین جناح حاکمیت ج.ا.، ماهیت طرح فروش کارخانجات دولتی به کارگران را بیش از پیش روشن ساخت، وی که دشمن سوگندخورده طبقه کارگر و ایدئولوگ بزرگ سرمایه داران است صریحا عنوان می کند که هدف از این طرح "بالا بردن تولید" از طریق تشدید استثمار و آهنگ کار است. او می گوید: "اتفاقا از پیشنهادهاییکه اینجانب مکررا به دولت ج.ا. کرده ام همین بود که کارخانه هاییکه بنحوی در اختیار دولت است، به کارگران واگذارشود که انگیزه بالا بردن

تولید را آنها ایجاد نماید" (کیهان ۹ اسفند ۶۳). حجت الاسلام سیدحسین موسوی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار آشکار می سازد که هدف رژیم از فروش سهام کارخانجات به کارگران تشدید استثمار آنها به میزان صد درصد است. وی ضمن برشمردن محاسن این طرح از آن جمله می گوید: "موجب استفاده صد درصد از نیروی کار" خواهد شد. (کیهان ۶ اسفند ۶۳).

واقعیتهای یاد شده موید آنند که سران ج.ا. به هر وسیله می کوشند تا زنجیر ستم و استثمار را بیش از پیش بردست پوی کارگران و زحمتکشان میهن ما محکم کنند تا منافع آزمندانه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران بیشتر از پیش تضمین شود. وظیفه کارگران مخالفت و مبارزه قاطع با سیاست تشدید استثمار رژیم از طرق مختلف از آنجمله از راه کم کاری و مهمتر از همه از راه دست زدن به اعتصاب است.

اتحاد شرط پیروزی اعتصابات کارگری!

راحت و آرام به استقبال مرگ



وصیت نامه رفیق بیژن کبیری، قهرمان ملی و فاتح خرمشهر، که قسمت هایی از آن خط خورده و ناخواناست، گویای روحیه قوی، مصمم و مقاوم و وفاداری او تا آخرین لحظه زندگی به آرمانهای انسانی و انقلابی و استقبال از مرگ شرافتمندانه است.

دشمنان خلق کوشیدند تا قهرمانانی چون رفیق کبیری را به اتهام "جاسوسی" به جوخه اعدام بسپارند. اما این تلاش مذبحخانه برای منتهی کردن رفقای ما در سازمان نظامی حزب توده ایران به جایی نرسید. ازورای سطور خط خورده وصیت نامه این جمله به روشنی دیده می شود که "من جاسوس نبودم". نکته دیگری که در وصیت نامه رفیق کبیری جلب نظر می کند این است که وی تا پایان زندگی فاقد خانه مسکونی بوده است. باید از مسولین رژیم ضد مردمی پرسید، این چگونه "جاسوسی" است که تا پایان زندگی از داشتن خانه مسکونی و رفاه محروم بوده است؟

چاپ متن کامل وصیت نامه رفیق کبیری که بیشتر شامل مسائل خصوصی و خانوادگی می شود، امکان پذیر نیست. با حذف برخی نامها، به ذکر قسمت کوتاهی از آن اکتفا می کنیم.

رفیق کبیری خطاب به همسرش نوشته است: "ضمن خدا حافظی از تو و بزرگان جواد و مراد و... خلاصه همه آشنایان، از تو بخصوص بخاطر این که در حوادث ناگوار زندگی تو را تنها می گذارم پوزش می خواهم... نیم ساعت دیگر (۵/۷ شب است) من برای همیشه می روم. ولی می خواهم بدانی که من نه جاسوس بودم و... (در اینجا پیش از یک سطر وصیت نامه کاملاً خط خورده است)... باورکن مهری، من آنچنان راحت و آرام هستم که نمی توانی تصور کنی. ولی خیلی دلم می خواست شما را برای آخرین بار می دیدم و می بوسیدم و از تو رو در رو پوزش می خواستم و خدا حافظی می کردم. مهری باورکن از صمیم قلب می گویم، تو تا اندازه ای در این مدت کم زندگی مشترکمان باید فهمیده باشی من چگونه راجع به عشق و زندگی سالم فکر می کردم و می کنم..."

دیگر باریاد او را گرامی می داریم.

کارگران و زحمتکشان مبارز، به پیکار خود علیه ادامه جنگ وسعت دهید!

بقیه از صفحه ۱

آن کشته یا زخمی شده اند. در خارک تعدادی از همکاران شما به خاک و خون کشیده شده اند. بمباران لوله سازی اهواز موجب کشته و مجروح شدن عده زیادی از کارکنان این واحد صنعتی شده است.

تاسیسات نیروگاه اتمی بوشهر نیز مورد هجوم نیروهای عراقی قرار گرفته است. پالایشگاه های کشور بویژه در معرض خطر جدی بمباران قرار دارند. خطر مرگ همه جا در کمین شما و دیگر مردم رنج دیده ایران نشسته است. از محل کار و محل زندگی امنیت جانی رخت بر بسته است و جای آن را وحشت عمومی و انتظار مرگ گرفته است. بسیاری از زحمتکشان ساکن محلات فقیر نشین جان خود و عزیزان خود را در اثر بمباران های هوایی از دست داده اند. افسریه و دولت آباد مشتقی از خروار است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

شما مدت هاست که علیه ادامه یافتن جنگ پیکار می کنید. رژیم دیگر قادر نیست مانند سابق از شما اخاذی کند. کسر حقوق بسود جنگ با مخالفت جدی شما روبرو می گردد. روز به روز از تعداد کسانی که رژیم برای گسیل به جبهه ها بسیج می کند کم می شود. فرار و ترمزد از پدیده های شایع در جبهه هاست. شما حتی برای باز گرداندن کارگران اعزامی دست به تحصن و اعتصاب زده اید و به پیروزی رسیده اید. اما اکنون که جنگ ابعاد بی سابقه ای گرفته است و ظایف سنگین تری بر دوش شما قرار دارد. واقعیت این است که جنگ بدون مبارزه وسیع و گمترده شما، بزودی پایان نمی گیرد. تجربه انقلاب درس آموزنده ای به شما داده است. تا آن زمان که شما ستون اصلی مبارزه علیه شاه منفور را تشکیل نمی دادید با وجود مبارزه دیگر اقشار اجتماع، وی همچنان بر اریکه قدرت تکیه زده بود. لیکن زمانی که شما با اراده ای استوار و تصمیمی خلل ناپذیر پای در کارزار مبارزه علیه رژیم خون آشام او گذاردید، تنها آن زمان بود که کاخ های ستمشاهی فرو ریخت و از رژیم ۲۵۰ ساله شاهنشاهی جز ویرانه ای بر جای نماند. این شیوه آزموده را بار دیگر باید بکار برد.

اکنون موج نفرت از ادامه جنگ سراسر ایران را پوشانده است. پیشگامی شما در بستر این نارضایی عامه می تواند به جنگ پایان دهد. تنها شما هستید که می توانید در صف نخستین مبارزان ضد جنگ پرچم ظفرنمون صلح را بر افزایش و آنرا به هر دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق تحمیل کنید.

در حال حاضر صنایع ما در خطر نابودی کامل قرار دارد. با ادامه یافتن جنگ از آنها جز ویرانه ای بجا نمی ماند. حفظ این سرمایه های ملی برای آینده کشور ضرورت حیاتی دارد. با خاتمه یافتن جنگ امکان حفظ این سرمایه های ملی میسر می شود. تجمع شما در این واحدها خطر را در

چندان می کند. با اصابت هر گلوله ای علاوه بر از بین رفتن تاسیسات صنعتی عده زیادی از شما نیز قربانی مطامع جنگ طلبانه رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی می شوید. خطر از هر دو سمتوجه شما و مردم رنج دیده ایران است.

کشیده شدن جنگ به شهرها و بمباران مناطق مسکونی و کشته شدن هزاران انسان بی گناه ضرورت اتحاد همه اقشار و طبقات جامعه را علیه جنگ به امری عاجل و فوری تبدیل کرده است. باید برای متوقف کردن جنگی که تنها در یک عملیات "بدر" ۲۰ هزار انسان به کام مرگ می فرستد و هزاران انسان بی گناه دیگر در شهرها کشته و زخمی و بی خانمان می شوند متحد شد. باید برای بازداشتن سران مرتجع ایران که همچون هیتلر خواب کشورگشایی و اجرای حدود و قصاص را در اکناف عالم می بینند دست اتحاد بیکدیگر داد. این شما هستید که باید پرچم این اتحاد را بالاتر از دیگران برافرازید و اقشار و طبقات مختلف جامعه را در پیکار علیه جنگ به اتحاد و یگانگی فرا خوانید. حضور شما در مرکز مبارزه، اتحاد را ممکن و دستیابی به صلح را سهل تر می کند.

کارگران و زحمتکشان ایران! بدانید که طبقه کارگر ایران می تواند به جنگ پایان دهد. خاتمه یافتن جنگ از راهی که رژیم در بلندگوهای خود می گوید، یعنی اشغال کشور عراق ممکن نیست. جنگ تنها با آتش بس فوری و بازگشتن نیروها به مرزهای پیشین و مذاکرات سیاسی پایان می یابد.

مبارزه خود را برای پایان یافتن جنگ گسترش دهید. وظیفه انقلابی به شما کارگران و زحمتکشان مبارز ایران حکم می کند که:

۱- خواستار بازگشت تمام کارگرانی شوید که به جبهه ها اعزام شده اند

۲- اجازه ندهید که رژیم از شما به نفع جنگ اخاذی کند!

۳- از تجمع در مراکز بزرگ صنعتی بویژه پالایشگاهها و نیروگاههای برق بدلیل عدم امنیت جانی، خودداری کرده و آنجا را ترک کنید.

۴- محل کار و زندگی خود را به مرکز مبارزه علیه جنگ و تبلیغ صلح بدل کنید. در تمام مجامع صدای همگانی خود را علیه جنگ بلند کنید. در این راه از هر شکل مناسبی که تشخیص می دهید بهره گیرید.

۵- پیوند خود را با توده های شهری محکم تر کنید. آنانرا به اتحاد و بسیج عمومی علیه جنگ فراخوانید. مراسم تشییع جنازه و یادبود کشته شدگان جنگ را به تظاهرات علیه رژیم جنگ تبدیل کنید.

وظیفه فعالین صنفی و هسته های مخفی کارگری و بویژه اعضا و هواداران حزب توده ایران است که مبارزات پراکنده کارگران و زحمتکشان علیه جنگ را در مسیر واحدی هدایت کرده و آنرا در ارتباط با تظاهرات ضد جنگ توده ها سازمان دهند. اکنون که اول ماه مه، روز جهانی کارگران در پیش است این روز را به روز تظاهرات علیه جنگ تبدیل کنیم.

کودتا در سودان

شنبه ۱۷ فروردین، بدنبال تظاهرات گسترده و خونین ده روزه در سودان، ارتش این کشور با یک کودتا، جعفر نمیری رئیس جمهور را برکنار، دولت او را ساقط و حزب حاکم "اتحاد سوسیالیستی سودان" را منحل کرد. نمیری که در آستانه آغاز ناآرامی‌ها به آمریکا سفر کرده بود، بهنگام بازگشت در قاهره متوقف گردید.

حدود دو هفته پیش دولت نمیری که بر اثر سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود، وسیعترین کشور آفریقا را بطور کامل وابسته به کشورهای بزرگ امپریالیستی و بویژه ایالات متحده آمریکا کرده است، بنا برخواست صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و زیر فشار دولت آمریکا، همه سوبسیدهای مربوط به مواد غذایی و دیگر کالاها را مورد نیاز عموم را قطع کرد تا گویا به "سالم سازی" اقتصاد کشور موافق نسخه‌های ضد خلقی امپریالیستی نایل گردد. در نتیجه بهای مواد غذایی ناگهان شدت افزایش یافت و گرسنگی تبدیل به بزرگترین خطر برای زحمتکشان سودان گردید. امواج خیزش عمومی نخست پایتخت و سپس دیگر شهرهای بزرگ کشور را فراگرفت. دستگاه‌های امنیتی و انتظامی رژیم، علیرغم خشونت‌های شدید و کشتار و دستگیری وسیع اعتراض کنندگان نتوانستند بر اوضاع تسلط یابند. برعکس، اقدامات سرکوبگرانه، واکنش‌های بازهم گسترده‌تری را موجب شد و کم ناخشنودی از سیاست ضد خلقی به خود ارتش و پلیس هم سرایت کرد. در این اوضاع و احوال فرماندهان عالی‌رتبه ارتش سودان که خود بخشی از دستگاه حکومتی رژیم نمیری بودند بروشنی پی بردند که ادامه این ناآرامی‌ها، شیرازه نظام حاکم را از هم خواهد گسیخت. بدین جهت تصمیم گرفتند نمیری و دولت رسوا شده او را فدا کنند تا امواج خشم عمومی را فرو نشانند. کودتا به مثابه وسیله‌ای برای جلوگیری از انقلاب مورد استفاده قرار گرفت.

باید گفت که رهبران جدید سودان اگر بخواهند در چارچوب همان رژیم ساقط شده مانور کنند میدان عمل وسیعی در اختیار ندارند.

حکومت جنایتکار نمیری که حدود ده سال پیش هجوم نا جوانمردانه‌ای را علیه حزب کمونیست سودان آغاز کرد و بسیاری از رهبران حزب و از جمله رفیق محبوب دبیرکل آنرا به قتل رساند، آنچنان کشور را به امپریالیسم و انحصارات چند ملیتی وابسته کرده است که گام گذاشتن در راه استقلال واقعی اقتصادی و ملی و انجام اصلاحات عمیق بسود توده‌های زحمتکش خلق نیاز به یک مشی قاطع انقلابی دارد که تنها در صورت رهبری طبقه کارگر و پشتیبانی تمام خلق امکان پذیر است.

با این وجود در تاریخ معاصر جهان نمونه‌های شایان توجهی در مورد تحولات مثبت در حکومت‌هایی که با کودتا زمامدار شده‌اند و تحولات منفی در حکومت‌هایی که انقلاب آنها را بر اریکه قدرت نشاندند است بچشم می‌خورد. مثلا در اتیوپی پس از پیدایش اوضاع ناپس‌مان، ارتش نقش اصلی را در رها کردن مردم از شر حکومت سلطنتی ایفا کرد. ولی بدنبال چند دگرگونی مثبت در رهبری، افسران مرفقی و معتقد به مارکسیسم توانستند وزنه بیشتری کسب کنند و راه را برای دگرگونی‌های اجتماعی باز نگاه دارند. برعکس در ایران که سقوط نظام منفر شاهنشاهی حاصل یک انقلاب شگوه‌مند هم خلقی و مردمی بود، بر اثر شرایط ویژه روز، زمام امور بدست روحانیت مرتجع افتاد و انقلاب نتوانست به یک انقلاب اجتماعی فراروید. پس از مدتی از نو سرمایه‌داران و ملاکان فراری به کشور بازگشتند و نظام اقتصادی شاهنشاهی، اینبار بنام اقتصاد اسلامی، با همان وابستگی‌های نهان و آشکارش به کشورهای امپریالیستی دوباره حاکم گردید. دیدگاه‌های ارتجاعی و کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، روحانیت ایران را به بیراهه خیانت به انقلاب و مردم کشاند. اینکه خیانت بنام اسلام انجام گرفت تغییری در ماهیت امر نمی‌دهد. در حال برکنار شدن جعفر نمیری می‌تواند برای مردم سودان نخستین گام در راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور باشد، به شرطی که با تشکیل در احزاب و سازمان‌های مرفقی و ادامه مبارزه جمعی، پیکار رهایی‌بخش خود را دنبال کنند.

تجربه سودمند و آموزنده

بقیه از صفحه ۲

در خلال اعتصاب، بخش مهمی از همافران هوانیروز اصفهان، برای پشتیبانی از کارگران به عنوان اعتراض چندروز پیاپی در مراسم صبحگاه حاضر نشدند و بین سپاه و همافران درگیریهایی رخ داد و تعدادی از همافران دستگیر شدند. پس از درگیری و پایان اعتصاب ذوب آهن، فرماندهی هوانیروز دستور داد تا بعنوان تنبیه، موی سر همافرانی را که در مراسم صبحگاه شرکت نکرده بودند، بتراشند.

یکی دیگر از نقشه‌های رژیم این بود که کارخانجات ذوب آهن را به مجتمع فولاد مبارکه وابسته سازد. تا آنجا که ما می‌دانیم این مجتمع فولاد مبارکه است که بدون ذوب آهن قادر به ادامه حیات نیست و مواد اولیه آن توسط ذوب آهن تامین می‌شود. رژیم چنین حرف‌هایی را شایع می‌کرد تا بین کارگران ذوب آهن و فولاد مبارکه ایجاد اختلاف کند. در یکی از روزها ناگهان گردو خاک زیادی بلند شد و چهره کارگران فولاد مبارکه با لباس کار، پرده‌های شعار و پلاکاردهای مختلف از میان غبار نمایان شد. آنها هم دست به اعتصاب زده بودند و پیاده به طرف ذوب آهن حرکت کرده بودند که همبستگی خود را با ما اعلام کنند. مامم جمع شدیم و با شعار "برادر کارگر، خوش آمدی، خوش آمدی" به استقبالشان رفتیم. کارگران به هیجان آمده بودند و موبه تن همه سیخ شده بود. اشک شوق در چشم بسیاری از کارگران جمع شده بود. عمال رژیم که ناظر این صحنه بودند دچار وحشت شدند و در صدد چاره جویی برآمدند.

نتیجه

بعد از مدتی بالاخره به ما اطلاع دادند که دولت به تمامی خواسته‌های ما، از جمله رسمی کردن کارگران پیمانی، پرداخت حق بیمه و بازنشستگی و اضافه حقوق کردن می‌نهد. اما کارگران خواستار حکمی بودند که این وعده‌ها را قانونی کند. دولت از اینکار طفره می‌رفت. خلاصه اینکه حرف کارگران بکرسی نشست و خمینی شخصا طی نامه‌ای تضمین کرد که همه خواسته‌های کارگران عملی شود. کارگران شرط کردند که اگر تا دو هفته دیگر خواسته‌های ما عملی نشود، بازهم جمع می‌شویم و اعتصاب می‌کنیم.

باید گفت که اتحاد و یکپارچگی ما موجب عقب نشینی رژیم در این مرحله از مبارزه شد. این تازه آغاز راه است. مبارزه کارگران تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت.

رفیق آنتون ۵۰۰ مارک غربی

NAMEH
MARDOM
No: 45

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

APRIL 11, 1985

شماره ۱-۱۳۶۴ مجله مسائل بین‌المللی منتشر شد

نخستین شماره مجله مسائل بین‌المللی سال ۱۳۶۴ از چاپ خارج شد. این شماره با اطلاعاتی درباره نتایج بحث و بررسی فعالیت مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" آغاز می‌شود. "کمونیست‌ها و مسائل مبهم دوران معاصر"، "درواه صلح بویژه اکنون باید مبارزه کرد"، "آتش نگرانی‌ها - نورهای امید" و "سال آغاز شد - وقت گزینش است" از جمله مقالاتی است که در این شماره درج شده است. بخش بزرگی از مطالب این شماره به مسئله مبهم دوران معاصر یعنی مبارزه در راه حفظ صلح که کمونیست‌ها در صفوف مقدم آن قرار دارند، اختصاص داده شده است.

مسئله برخورد به سوسیالیسم موجود و نقش بین‌المللی آن و مشکلاتی که در جریان ساختمان سوسیالیستی در برخی از کشورها پدید می‌آید، در این شماره جای ویژه‌ای دارد. در این شماره خوانندگان با نظریات مختلف درباره چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن و چگونگی برگزاری آن آشنا میشوند.

باشعار آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنیم!